

بسم الله الرحمن الرحيم

عهد معهود

درس گفتارهایی از: مسعود بسیطی

با اهتمام: زهرا مرادی

در دوره‌ی «عهد معهود» با حقایقی از آفرینش آدم علیه السلام و فلسفه‌ی آفرینش آدمی به روایت هدایتگران آسمانی آشنا خواهید شد. همچنین در این دوره، از عهدی که آدم علیه السلام با خداوند متعال می‌بندد سخن خواهیم گفت؛ عهدی که قرار می‌شود تمامی بنی آدم - از جمله من و شما - تا قیام قیامت به آن پایبند بمانند!

درس هفتم: ابراهیم (ع) و تجدید عهد با آدمیان

در جلسه‌ی گذشته به این موضوع پرداخته شد که: خداوند مهربان برای هدایت آدمیان، هدایتگرانی را به میان شان فرستاد؛ اما مردم به جای گوش دادن به رهنمودهای ایشان، دل به وسوسه‌های شیطان دادند و رفته رفته به بت پرستی و پیامبرکشی کشیده شدند. فرستادگان الهی دست از تلاش برنداشتند و یکی پس از دیگری مردم را به پرستش خدای یگانه و یادآوری عهدی که با خدا بسته بودند دعوت کردند.

در این جلسه به موضوع تجدید عهد الهی با آدمیان توسط پیامبر بزرگ خدا، ابراهیم علیه السلام با استناد به کتاب مقدس خواهیم پرداخت:

همانطور که در جلسه‌ی گذشته اشاره شد، پس از طوفان نوح که زمین از وجود کافران پاک شد، باز هم شیطان به میان آدمیان آمد و نقشه‌های خود را آغاز نمود. مردم هم به جای آنکه به تشخیص عقل (حجت درونی) و رهنمودهای پیامبران (حجت بیرونی) عمل کنند،^۱ به دنبال هوا و هوس خویش راه افتادند و به وسوسه‌های شیطان دل سپردند. کار به جایی رسید که در زمان ابراهیم علیه السلام عده‌ای از مردم، ماه را می‌پرستیدند و برخی خورشید را؛ بعضی ستارگان را خدای خویش می‌پنداشتند و بعضی دیگر مجسمه‌های دست سازشان را. خلاصه همه چیز برای آنها قابلیت پرستیده شدن داشت جز آفریدگار بی همتای توانا!

آنها ابراهیم را نیز به پرستش خدایان شان دعوت کردند. ابراهیم علیه السلام با دلسوزی در کنار ایشان قرار گرفت و گفت آیا این ستاره، یا آن ماه و یا خورشید، پروردگار من است؟ چگونه اینها می‌توانند پروردگار ما باشند؛ در حالی

^۱ امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: "إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةً ظَاهِرَةً وَ حُجَّةً بَاطِنَةً فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَيُّمَةُ وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ" یعنی: خداوند برای مردم دو حجت دارد: یکی آشکار است و دیگری پنهان، راهنمای آشکار، پیامبران و امامان علیهم السلام هستند و راهنمای باطن، عقل است: تحف العقول، ص ۳۸۶.

که زمانی هستند و زمانی غروب می‌کنند؟^۲ بیایید کسی را که خالق اینها بلکه خالق آسمانها و زمین است بپرستیم.^۳ اما کسی سخن او را نپذیرفت.

بت پرستی هم در میان مردم آن دوران از رونق ویژه‌ای برخوردار بود. آنها، بت‌ها را با دست خود می‌ساختند، به یکدیگر می‌فروختند و در معابد نگه داری می‌نمودند. یک روز که همه برای برگزاری جشن به بیرون شهر رفته بودند، ابراهیم از فرصت استفاده کرد و به محل نگهداری بت‌ها رفت. او با تبری مجسمه‌ها را شکست و در نهایت، تبر را بر گردن بزرگترین بت آنجا قرار داد. مردم که به شهر بازگشتند و با این صحنه مواجه شدند با خود گفتند این کار باید کار ابراهیم باشد که همواره ما را از پرستش خدایان مان منع می‌کرد. به دستور نمرود - پادشاه ظالم آن سرزمین - ابراهیم را احضار نمودند. نمرود از او پرسید آیا تو بودی که چنین عملی مرتکب شدی؟ ابراهیم برای آنکه مردم را به تعقل وادارد گفت مگر نمی‌بینید که تبر نزد بت بزرگ است؟ می‌توانید از خودش بپرسید که چرا این کار را کرده؛ البته اگر بتواند با شما سخن بگوید!

با شنیدن این سخن، اعتراض همه بلند شد که چگونه این مجسمه، توان شکستن بت‌های دیگر را داشته باشد و چطور به این کار اعتراف کند در حالی که قادر به حرکت و تکلم نیست؟ ابراهیم پاسخ داد پس چگونه چنین اجسام ناتوانی که حتی قدرت محافظت از خود را ندارند به خدایی گرفته اید؟^۴

نمرود که دید با این حرف‌ها ممکن است مردم به پرستش خدای ابراهیم متمایل شوند و قدرت و سلطنتش به خطر بیفتد، تصمیم گرفت ابراهیم را از سر راه بردارد. به فرمان نمرود، آتش بزرگی برای سوزاندن ابراهیم درست کردند. آتش به قدری عظیم بود که کسی نمی‌توانست نزدیکش شود و ابراهیم را داخل آن بیندازند. شیطان برای آنکه این فرستاده‌ی الهی نیز به دست خود انسانها از صحنه برداشته شود، پیشنهاد ساخت منجنیق را داد و بدین ترتیب نخستین منجنیق به دست شیطان ساخته شد.^۵

^۲ "فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ، فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَيْنَ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ، فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِعَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ" یعنی: پس چون شب بر او پرده افکند، ستاره‌ای دید؛ گفت: «[آیا] این پروردگار من است؟» و آنگاه چون غروب کرد، گفت: «غروب‌کنندگان را دوست ندارم» و چون ماه را در حال طلوع دید، گفت: «[آیا] این پروردگار من است؟» آنگاه چون ناپدید شد، گفت: «اگر پروردگارم مرا هدایت نکرده بود قطعاً از گروه گمراهان بودم» پس چون خورشید را برآمده دید، گفت: «[آیا] این [که از ماه و ستاره هم] بزرگتر است، پروردگار من است؟» و هنگامی که افول کرد، گفت: «ای قوم، من از آنچه [برای خدا] شریک می‌سازید بیزارم». قرآن کریم، سوره انعام، آیات ۷۶ تا ۷۸. توصیه می‌شود در این رابطه به مطلب «آیا ابراهیم علیه السلام پیش از آنکه به خدای یگانه ایمان بیاورد، مشرک بوده و ماه و خورشید را می‌پرستیده؟» در بخش پاسخ به شبهات پایگاه علمی فرهنگی محمد (ص) مراجعه فرمایید.

^۳ "قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ" یعنی: گفت بلکه پروردگار شما خداوند آسمانها و زمین است، آن که آنها را آفریده است: قرآن کریم، سوره انبیاء، آیه ۵۶.

^۴ بنگرید به آیات ۵۸ تا ۶۷ سوره‌ی انبیاء.

^۵ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: "إِنَّ أَوَّلَ مَنْجَنِيْقٍ عُمِلَ فِي الدُّنْيَا مَنْجَنِيْقُ عُمِلَ لِإِبْرَاهِيمَ ... عَمِلَ إِبْلِيسُ الْمَنْجَنِيْقَ وَ أُجْلِسَ فِيهِ إِبْرَاهِيمَ ..." یعنی: نخستین منجنیقی که در دنیا ساخته شد، منجنیقی بود که برای ابراهیم ساخته شد ... ابلیس منجنیق را ساخت و ابراهیم را در آن نشاندد "...: بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۳۶.

ابراهیم را در منجیق نشانند و به سوی آتش پرتاب کردند. همه منتظر بودند تا کشته شدن پیامبری دیگر را نظاره کنند. اما ابراهیم، خدا را به حق برترین و محبوب‌ترین مخلوقاتش - محمد و آل محمد (ص) - خواند و خدا هم به حرمت ایشان دعایش را مستجاب کرد.^۶

ذکر این نکته خالی از لطف نیست که خداوند رحمان به سبب توجه و محبت ویژه‌ی ابراهیم علیه السلام نسبت به رسول خاتم و اهل بیت پاکش، به وی لقب «خلیل» اعطا فرمود.^۷

آری؛ آتش به حرمت محمد و آل محمد (ص) در جلوی چشمان بهت زده‌ی مردم، بر ابراهیم سرد شد و خلیل خدا سلامت بیرون آمد. با این حال، نه نمرود و نه مردمی که آنجا بودند با شنیدن تذکرات عقلانی ابراهیم و دیدن معجزه‌ی خدای ابراهیم، به او ایمان نیاوردند. ابراهیم از آن سرزمین (مکانی در عراق کنونی) به شام تبعید شد و قومش با شادمانی در گمراهی خود غوطه خوردند.

ابراهیم علیه السلام همچنان هرجا که می‌توانست، مردم را به پرستش خدای یگانه و وفاداری به عهد الهی درباره‌ی پذیرش برتری و محبت حضرت محمد ط.ی.الله علیه و آله و سلم و اهل بیت پاکش دعوت می‌کرد. در کتاب مقدس مسیحیان نیز بر این نکته قویاً تأکید شده. در کتاب مقدس چنین آمده:

"خدا به ابراهیم فرمود: وظیفه تو و فرزندان و نسلهای بعد، این است که عهد مرا نگاه دارید."^۹

البته طبیعتاً در کتاب مقدس امروزی درباره‌ی اینکه عهدی که خداوند حکیم با ابراهیم و سایر فرستادگان آسمانی بست، درباره‌ی محمد، فاطمه، علی، حسن و حسین و نه فرزند از نسل حسین بود، با این صراحت مطلبی دیده نمی‌شود. عهدی که تمامی بنی آدم را ملزم می‌کرد این ۱۴ گل سر سید خلقت را به عنوان

^۶ امام صادق علیه السلام از رسول خاتم نقل می‌فرماید: "إِنَّ إِبْرَاهِيمَ عَ لَمَّا أُلْقِيَ فِي النَّارِ قَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا أُنْجِيْتَنِي مِنْهَا فَجَعَلَهَا اللَّهُ عَلَيْهِ بَرْدًا وَ سَلَامًا" یعنی: همانا ابراهیم (ع) که در آتش انداخته شد، گفت «خداوند! از تو می‌خواهم تا به حق محمد و آل محمد مرا از آن (آتش) نجات دهی» پس خدا [به همین سبب] آن را سرد و سلامت نمود: بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۳۱۹؛ همچنین امام رضا علیه السلام می‌فرماید: "لَمَّا رُمِيَ إِبْرَاهِيمُ فِي النَّارِ دَعَا اللَّهَ بِحَقِّنا فَجَعَلَ اللَّهُ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْدًا وَ سَلَامًا". یعنی: هنگامی که ابراهیم به آتش افکنده شد، خدا را به حق ما [اهل بیت] خواند، پس خدا آتش را بر او سرد و سلامت گرداند: بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۶۹.

^۷ «خلیل» به فردی گفته می‌شود که محبت و دوستی عمیقی دارد: «خُلَّة» یعنی محبت و دوستی یا از اینجهت که آن حالت در جان نفوذ می‌کند و یا از اینکه در جان آدمی قرار می‌گیرد و باقی می‌ماند و یا اینکه همچون تیری که به‌هدف می‌رسد، دوستی هم بجان می‌رسد و در آن اثر می‌گذارد و یا اینکه در اثر نیاز شدیدی که با آن هست خلّة نامیده شده می‌گویند: خَالَتُهُ مُخَالَةً وَ خِلَالًا که اسم آن «خلیل» است: ترجمه مفردات راغب، ج ۱، ص ۶۲۱.

^۸ خداوند در قرآن می‌فرماید: "وَ اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا" یعنی: خدا، ابراهیم را خلیل گرفت: قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۱۲۵. امام هادی علیه السلام فرمودند: "إِنَّمَا اتَّخَذَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا لِكَثْرَةِ صَلَاتِهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ ص" یعنی: خداوند عزّ و جلّ، ابراهیم را خلیل نامید چون بر محمد و اهل بیتش بسیار توجه داشت: علل الشرائع، ج ۱، ص ۳۴. البته اهل بیت علیه السلام به این نکته هم اشاره فرموده اند که: "اتَّخَذَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا لِأَنَّهُ لَمْ يَرُدَّ أَحَدًا وَ لَمْ يَسْأَلْ أَحَدًا غَيْرَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ" یعنی: خداوند عزّ و جلّ، ابراهیم را خلیل نامید چراکه [در تمام مدت عمرش] به کسی جز خداوند تعالی روی نیاورد و از کسی جز خدا درخواست نکرد: همان.

اما این دو روایت در تعارض با یکدیگر نیستند؛ بلکه از آنجا که اهل بیت علیهم السلام مورد عنایت ویژه‌ی خداوند متعال هستند و بزرگداشت ایشان، خواست و امر خدا به همگان بوده، توجه، محبت و درود بر ایشان موجب رضایت حق تعالی می‌گردد. پس کسی که تمام توجهش به سوی خدا باشد قطعاً به سوی رسول خاتم و اهل بیتش نیز متوجه و متمایل خواهد بود. درباره‌ی جایگاه اهل بیت نزد خالق یکتا می‌توانید به **درس چهارم از درسنامه‌ی عهد معهود** مراجعه فرمایید.

^۹ کتاب مقدس، ترجمه تفسیری، تورات، سفر پیدایش، باب ۱۷، بند ۹.

جانشین خدا بر روی زمین و سرپرست خویش بپذیرند، با آنها دوستی بورزند و هرچه ایشان گفتند به دیده‌ی منت انجام دهند. با آنکه همه‌ی پیامبران، این عهد را به قوم خود رسانده بودند، اما در آثار و نوشته‌های منتسب به ایشان در کتاب مقدس مفاد آن وجود ندارد. چراکه به اعتراف خود مسیحیان، کتابی که امروزه به نام کتاب مقدس مورد پذیرش مسیحیان است، در طول سالیان متمادی دستخوش تغییرات زیادی شده؛ در نتیجه به مرور، آنچه خوشایند بزرگان یهود و مسیحیت نبوده حذف یا تحریف گردیده است. با این وجود، از لایه لای همین نوشته‌های موجود هم می‌توان به سرنخ‌هایی رسید که ماجرای عهد الهی درباره‌ی پیامبر خاتم و خاندانش را تبیین نماید.

همانطور که گفتیم به نقل از کتاب مقدس، خداوند به ابراهیم علیه السلام امر می‌کند که «عهد الهی» را حفظ کند.^{۱۰} همچنین به شدت تاکید می‌کند که این عهد باید در میان فرزندان ابراهیم و هرکس که ادعای پرستش خدای یگانه را دارد، تا قیام قیامت^{۱۱} حفظ شود. سپس خداوند به ابراهیم علیه السلام وعده می‌دهد چنانچه ذریه و نسل او این عهد را حفظ کنند، خدا هم در مقابل، به آنها قدرت و برکت و فرمانروایی ویژه می‌دهد به گونه‌ای که همه‌ی امت‌ها تحت فرمان ایشان در خواهند آمد^{۱۲} و از آن بالاتر اینکه آن ۱۴ وجود برگزیده را از نسل ایشان قرار می‌دهد!^{۱۳}

سپس خداوند، نشان وفاداری به عهد الهی را «ختنه شدن» مردان و پسران اعلام می‌کند و می‌گوید:

"تمام مردان و پسران شما باید ختنه شوند تا بدین وسیله نشان دهند که عهد مرا پذیرفته اند. هر پسر هشت روزه باید ختنه شود. این قانون شامل تمام مردان خانه زاد و زر خرید هم می‌شود. همه باید ختنه شوند و این نشانی بر بدن شما خواهد بود از عهد جاودانی من. هر کس نخواهد ختنه شود، باید از قوم خود طرد شود، زیرا عهد مرا شکسته است."^{۱۴}

بنابراین، با استناد به کتاب مقدس از آن زمان به بعد هر قومی که ادعای ایمان به خدای متعال و پذیرش عهد الهی را نماید، باید مردانش ختنه گردند و چنانچه این کار را نکنند نشانه‌ی این خواهد بود که عهد الهی را نقض کرده‌اند.

خداوند تاکید می‌کند این عهد بعد از ابراهیم با فرزندان او نسل اندر نسل پا بر جا خواهد بود. به فقراتی از کتاب مقدس که به این ماجرا اشاره دارد توجه فرمایید:

"من با تو عهد می‌بندم که قوم‌های بسیار از تو به وجود آورم ... من عهد خود را تا ابد با تو و بعد از تو با فرزندان، نسل اندر نسل برقرار می‌کنم ... تمامی سرزمین کنعان را که اکنون در آن

^{۱۰} بنگرید به پاورقی پیشین.

^{۱۱} "من عهد خود را تا ابد با تو و بعد از تو با فرزندان، نسل اندر نسل برقرار می‌کنم": کتاب مقدس، ترجمه تفسیری، تورات، سفر پیدایش، باب ۱۷، بند ۷.

^{۱۲} بنگرید به:

- "تمامی سرزمین کنعان را که اکنون در آن غریب هستی، تا ابد به تو و نسل تو خواهم بخشید": کتاب مقدس،

ترجمه تفسیری، تورات، سفر پیدایش، باب ۱۷، بند ۸.

- "از وی (ابراهیم) قومی بزرگ و قوی پدید خواهد آمد و همه قوم‌های جهان از او برکت خواهند یافت": کتاب مقدس،

ترجمه تفسیری، تورات، سفر پیدایش، باب ۱۸، بند ۱۸.

^{۱۳} در درس بعدی اسناد مرتبط به این موضوع بیان می‌گردد.

^{۱۴} کتاب مقدس، ترجمه تفسیری، تورات، سفر پیدایش، باب ۱۷، بند ۱۰ تا ۱۴.

غریب هستی، تا ابد به تو و نسل تو خواهم بخشید و خدای ایشان خواهم بود ... وظیفه تو و فرزندان و نسلهای بعد، این است که عهد مرا نگاه دارید.^{۱۵}

از وی (ابراهیم) قومی بزرگ و قوی پدید خواهد آمد و همه قومهای جهان از او برکت خواهند یافت. من او را برگزیده‌ام تا فرزندان و اهل خانه خود را تعلیم دهد که مرا اطاعت نموده، آنچه را که راست و درست است به جا آورند. اگر چنین کنند من نیز آنچه را که به او وعده داده‌ام، انجام خواهم داد.^{۱۶}

از آنجا که حضرت ابراهیم، دو فرزند داشت، عهد الهی در مورد هر دوی آنها و نسل شان صدق می‌کرد. یعنی هم اسماعیل علیه السلام و فرزندان او و هم اسحاق و ذریه‌اش موظف به رعایت عهد الهی بودند. اما سوال مهم اینجا بود که فرمانروایی جهان به کدام گروه می‌رسید؟ نسل اسماعیل یا نسل اسحاق؟ و قرار است آن ۱۴ وجود برتر، از نسل کدامیک از دو پسر حضرت ابراهیم به دنیا بیایند؟!

پاسخ این سوال، مهم ترین و تاثیرگذارترین اتفاقات را در تاریخ بشریت رقم زد؛ به گونه‌ای که حتی سرنوشت انسان‌های این زمان نیز از آن حوادث متأثر گردید.

در **جلسه‌ی آینده** با استناد به کتاب مقدس و آیات قرآن به سوال فوق، پاسخ خواهیم داد.

نکات مهم این جلسه

- با وجود آنکه بازماندگان طوفان نوح، همه ایمان دار بودند، باز هم شیطان به میان ایشان و فرزندان شان رفت و با وسوسه‌ی خود آنها را از عبودیت خدای متعال دور کرد؛ تا جایی که در زمان حضرت ابراهیم علیه السلام، مردم دیگر خدای یگانه را نمی‌پرستیدند و به پرستش ماه و خورشید و بت‌های گوناگون روی آورده بودند.
- هنگامی که حضرت ابراهیم مردم را به پرستش خدای یگانه دعوت کرد، آنها هدایت را پس زدند و تصمیم به سوزاندن او گرفتند. اما ابراهیم علیه السلام با توسل به برترین بندگان خدا - یعنی حضرت رسول و خاندان پاکش - سلامت از آتش بیرون آمد.
- به دلیل توجه و محبت ویژه‌ای که حضرت ابراهیم نسبت به پیامبر خاتم و اهل بیتش داشت، به لقب «خلیل الله» از جانب خدا منسوب شد.
- حضرت ابراهیم هم مانند سایر فرستادگان آسمانی مأمور به ابلاغ عهد الهی درباره‌ی حضرت محمد (ص) و امیر مومنان و فرزندان ایشان شد.
- کتاب مقدس از عهدی الهی که خدا با حضرت ابراهیم و مردم زمانش می‌بندد، سخن می‌گوید. در همین کتابی که در طول قرن‌ها بارها دچار تغییر و تحریف شده، می‌توان سرنخ‌هایی یافت که نشان می‌دهند عهد مذکور درباره‌ی پیامبر خاتم و خاندان پاکش بوده است.

^{۱۵} کتاب مقدس، ترجمه تفسیری، تورات، سفر پیدایش، باب ۱۷، بند ۴ تا ۹.

^{۱۶} همان، باب ۱۸، بند ۱۸ و ۱۹.

- در کتاب مقدس آمده که خداوند عهد خود را از طریق ابراهیم علیه السلام به مردم زمانش ابلاغ کرد و فرمود:

- همه باید این عهد را تا ابد حفظ کنند.
 - نشانه‌ی پذیرش عهد، ختنه شدن مردان و پسران است و هرکس زیر بار ختنه نرود، در واقع اعلام کرده که عهد را نپذیرفته و دیگر جزو ایمان داران محسوب نمی‌شود.
 - این عهد در میان فرزندان ابراهیم و نسل ایشان - یعنی اسماعیل و اسحاق و ذریه‌ی آن دو - تا قیام قیامت پابرجاست و در عوض من هم قول می‌دهم به آن گروه از فرزندان که عهد مرا حفظ کرده اند، فرمانروایی زمین را عطا کنم و سایر امت‌ها را مطیع ایشان گردانم.
- یکی از وعده‌های الهی به حضرت ابراهیم درباره‌ی آن دسته از فرزندان که عهد الهی را حفظ می‌کنند، این بود که خداوند آن ۱۴ برگزیده را از نسل ایشان قرار می‌دهد.

